مسعود رفیعی طالقانی، روزنامه‌نگار و منتقد فرهنگی - اجتماعی، در گفت‌وگو با «آرمان ملی» با اشاره با خانم معلم قائمشهری که «گنگستر شهر آمل» را با همخوانی دانش‌آموزان به نمایش گذاشت، می‌گوید: آنهایی که سعدی و حافظ خواندند، ره به بیراهه‌ها بردند، این دیگر قرار است بچه‌های ما را به کدام راه ببرد!

آموزش و پرورش مقصر است اما برای جذب معلم!

رفتار معلم قائمشهری، سوءاستفاده از کودکانی است که مانند یک لوح سفیدند و هر چه ما بخواهیم بر سینه‌شان حک می‌شود

عده‌ای ناآگاهانه از معلم قائمشهری برای سوءاستفاده از کودکان، قهرمان سازی کردند!

آرمان ملی: حالا دیگر بسیاری، نه تنها گنگستر شهر آمل که خانم معلم قائمشهری را می‌شناسند. اواسط هفته گذشته یک کلیپ در فضای مجازی خیلی زود وایرال شد؛ کلیپی که دانش‌آموزان پسر در یک کلاس درس را نشان می‌داد که بی‌خبر از همه جا با آن چهره‌های معصوم و کودکانه با زبان مازنی، شعری را می‌خواندند که پر از کلمات سخیف بود و خانم معلمی که در میانه آنها رو به دوربینی که از پیش کاشته بود، ایستاده و می‌خندید. اسم آهنگ گنگستر شهر آمل بود و حواشی پیش آمده پس از نشر این کلیپ فراوان؛ از اخراج این معلم، تا استخدام سریع‌السیر او در تیم نساجی مازندران و بعد هم انتشار پیام طلب عفو و اظهار ندامت از سوی او و سرآخر هم خبر استانداری مازندران از بازگشت دوباره او به حرفه آموزگاری. اما به واکنش‌های کارشناسان و مردم اگر نگاه کنید خواهید دید که در اغلب موارد همه از برخورد با این معلم گله‌مند بودند. مسعود رفیعی طالقانی، اما نظری مخالف با غالب نظرات سایه انداخته بر جامعه دارد. این روزنامه‌نگار و منتقد فرهنگی- اجتماعی به منتقدان نظام سیاسی کشور اشاره می‌کند و می‌پرسد «تا کی قرار است رویدادهای اجتماعی را ما در بستر دو قطبی دولت- ملت تحلیل کنیم؟!» از نظر او اینطور نمی‌شود که اگر کسی نقد سیاسی به یک ساختار دارد، چشمش را به روی تمام حقیقت ببندد و هر چیزی را به دشمنی با شادی و این حرف‌ها نسبت بدهد. او که به هیچ عنوان مخالف شادمانی و شاد زیستن فرزندان این سرزمین نیست، به استفاده ابزاری خانم معلم مذکور از کلاس درس و بچه‌های مردم اشاره کرده که برای تولید محتوای صفحات مجازی‌اش دست به کار شده است. رفیعی طالقانی، با تنبیه اخلاقی چنین فردی موافق است اما نمی‌تواند تائید کند که آموزش و پرورش مازندران با دغدغه‌ای که او از آن صحبت می‌کند، دست به تنبیه و اخراج معلم مربوطه زده باشد. او می‌گوید «آنهایی که سعدی و حافظ خواندند، ره به بیراهه‌ها بردند، این دیگر قرار است بچه‌های ما را به کدام راه ببرد!» در مصاحبه‌ای که پیش روی شما قرار دارد از نظرگاه مسعود رفیعی طالقانی که در سال‌های فعالیت روزنامه‌نگاری خود، آموزش را در وهله نخست مورد توجه قرار داده، می‌خوانید که در ما آموزش است و اینکه «خوب هویداست، این معلم آموزش درست و کافی معلمی ندیده و متأسفانه نظام آموزش پولی به سبب تمام ضعف‌های خطرناکی که دارد، کسی مثل او را جذب کرده است و چند کودک مردم را سپرده است دست او...»

در یکی دو روز گذشته ماجرای اخراج معلم قائمشهری به دلیل همخوانی یک ترانه محلی جنجالی شد و سر و صدای زیادی به پا کرد. شما در یادداشتی بر خلاف خیلی از منتقدان که رفتار آموزش و پرورش مازندران را نقد کردند، رفتار خانم معلم را نقد کرده بودید. در این باره چه دیدگاهی دارید؟

خب معلوم است که اگر بنا باشد از نظرگاه کارشناسی، اجتماعی و روانکاوانه به ماجرا نگاه کنیم، این رفتار خانم معلم است که قابل نقد است. اصلا مگر می‌شود شما بردارید کودکانی را وادار کنید به اینکه یک ترانه سخیف را با هم بخوانند و شما هم بایستید جلوی آنها و ادا و اطوار دربیاورید، بعد فیلم آن را ضبط کنید و لابد در پی آن هم باشید که در اینستاگرام لایک و کامنت جمع کنید، بعد من منتقد و روزنامه‌نگار اجتماعی بتوانم کار شما را تایید کنم؟! مگر تا کی قرار است رویدادهای اجتماعی را ما در بستر دو قطبی دولت- ملت تحلیل کنیم؟! آنهایی که در این باره حرف‌های سیاسی می‌بافند، نان‌شان در این کار است. هرچند در مراتبی از این ماجرا، امر سیاسی دخیل است، اما نه در این سطحی که منتقدان نظام سیاسی کشور این دو روز بحث کرده‌اند و می‌کنند. ماجرا خیلی ساده است، این خانم معلم، کاری بسیار سخیف انجام داده و باید مسئولیتش را بپذیرد. البته سخیف بودن کار از منظر من، نه مربوط به ایجاد فضای شادی و شادمانی در کلاس است که متأسفانه یک عده با آن مشکل دارند، نه، من برعکس، هیچ مخالف شادمانی و شاد زیستن بچه‌ها نیستم بلکه آن را تشویق می‌کنم. موضوع اما در این اتفاق، ابدا بحث شادی و این حرف‌ها نیست و نبود، موضوع این بود که این خانم معلم، کلاس درس و بچه‌های مردم را همچون ابزاری برای تولید محتوای بسیار سطحی و بد و زشت صفحات مجازی‌اش دیده بود و خب معلوم است که ما نمی‌توانیم و نباید با آن موافق باشیم.

یعنی شما با اخراج او از مدرسه موافقید؟

البته که نیستم و خوشبختانه خبرهایی هم که منتشر شد مبنی بر آن است که ماجرای اخراج او منتفی شده است اما من با تنبیه اخلاقی چنین فردی موافقم. بگذارید بحث را کمی باز کنم؛ مساله این است که هیچ یک از اصول علمی و اخلاقی و روانشناختی و فلسفه تعلیم و تربیت به یک معلم اجازه نمی‌دهد از کلاس درس در وهله اول و بعد از دانش‌آموزانی تا این اندازه کم سن و سال در وهله دیگر، چنین سوءاستفاده بکند. شما فقط بروید و به متن آن ترانه گوش کنید. ترانه ترانه‌ای است که یکسره هزلیات و لاطائلات است. خب اینکه در شبکه‌های اجتماعی وایرال شده، نه دلیل بر خوب بودنش است بلکه به دلیل پایین بودن سطح فکری و فرهنگی اغلب کسانی است که این ترانه را گوش داده‌اند و آن را وایرال کرده‌اند. می‌گوید اگر یار من نباشی می‌روم گنگستر می‌شوم و فلان چیز را می‌خورم و... ! حتما ترانه را گوش داده‌اید دیگر؛ در نازل‌ترین سطح موسیقی و فرهنگ است. خب این را باید بیاوریم به خورد بچه ۷ ساله مردم بدهیم و بعد بایستیم و از آن فیلم بگیریم و انتظار داشته باشیم اتفاقی نیفتد؟!!

پس رفتار آموزش و پرورش مازندران را در مواجهه با این ماجرا تایید می‌کنید؟

من نمی‌توانم این را تایید کنم که آموزش و پرورش مازندران با دغدغه‌ای که من اینجا از آن صحبت کردم دست به برخورد با این خانم معلم زده است یا نه، من گمان می‌کنم آنها تمرکزشان بر موضوعات مذهبی و... بوده باشد، من اما دیدگاهم فراتر و جدای از این است. من می‌گویم اولا به هیچ عنوانی نباید کودکان را ابزار هیچ نوع سوءاستفاده‌ای قرار داد. این را باید به خانواده‌ها هم آموزش داد. جدای از این بحث، باید پرسید معلمی که این ترانه را دوست دارد، آیا می‌تواند فرهنگ‌ساز باشد؟ آیا می‌تواند صلاحیت این را داشته باشد که به بچه‌های نونهال پیش دبستانی و دبستانی درس زندگی و مهارت زیستن بدهد؟ راستش آنهایی که سعدی و حافظ خواندند، ره به بیراهه‌ها بردند، این دیگر قرار است بچه‌های ما را به کدام راه ببرد!

فکر می‌کنم مساله شما نوعی قیاس باشد بین معنا و مفهوم اساسی معلمی با آنچه در این خانم معلم بروز و ظهور کرده است...

اگر بخواهیم قیاس کنیم که نتیجه‌اش واویلاست. شما یک قلم بروید و رفتار چنین معلمی را مقایسه کنید مثلا با معلم‌ها و آموزگارهای کشوری مثل فنلاند. خب معلوم است که آنها چرا از هفت خوان رستم رد می‌شوند تا بشوند معلم یا آموزگار. همین حساب و کتاب‌هاست که کشوری مانند فنلاند را در صدر فهرست نظام‌های اصولی آموزش و پرورش در دنیا قرار داده. اتفاقا من قصد چنین قیاسی ندارم چرا که می‌دانم این قیاس مع‌الفارق است. ما در اولین گام نمی‌توانیم وضع معیشت معلمان خودمان را با معلمان کشورهای توسعه یافته قیاس کنیم. باقی که دیگر به جای خود.

منتقدان نظام آموزشی و آموزش و پرورش در دو روز گذشته که این خبر منتشر شد شروع کردند به اینکه این سیستم دشمن شادی است و از این حرف‌ها، در این باره چه نظری دارید؟

دست‌کم در این یک فقره، آنچه روی داد شادی و یا هر مفهومی حول و حوش آن نبود و اگر برخوردی با آن صورت گرفته، برخورد با شادی نیست. موضوع خیلی ساده است. این خانم معلم با بدترین ترانه‌ای که می‌شده، بچه‌های مردم را به خط کرده تا برایش نمایش بازی کنند! این کجایش شادی است؟! آخر نمی‌شود که اگر کسی نقد سیاسی به یک ساختار دارد، چشمش را به روی تمام حقیقت ببندد و هر چیزی را به دشمنی با شادی و این حرف‌ها نسبت بدهد. مساله مهم‌تر این است که اساسا هر نوع سوءاستفاده از کودکان، در هر کجای دنیا محکوم است. به زعم من رفتار معلم قائمشهری، سوءاستفاده از کودکانی است که مانند یک لوح سفیدند و هر چه ما بخواهیم بر سینه‌شان حک می‌شود. آیا این به معلم جواز می‌دهد که بچه‌ها را با سخیف‌ترین و مبتذل‌ترین ترانه، مورد سوءاستفاده قرار دهد.

خب پیشنهادتان در این باره برای آموزش و پرورش چیست؟

آموزش، آموزش، آموزش. درد ما این است که خوب هویداست، این معلم آموزش درست و کافی معلمی ندیده و متأسفانه نظام آموزش پولی به سبب تمام ضعف‌های خطرناکی که دارد، کسی مثل او را جذب کرده است و چند کودک مردم را سپرده است دست او. آن پدر و مادر از همه جا بی‌خبر هم لابد خیالشان راحت است که خدا را شکر بچه‌مان را برده‌ایم در یک مدرسه شاد گذاشته‌ایم که آموزش ببیند و اجتماعی شود. بگذارید راحت‌تان کنم، باید فاتحه چنین سیستم آموزشی را خواند اگر به سرعت دست به اصلاح خود نزند. اتفاقا نقد جدی فرا و ورای یک معلم، به ساختاری است که جذب معلم را تا این اندازه سطحی کرده و لابد دغدغه‌اش همان تعهدات همیشگی و پیشینی بوده است که می‌دانیم. اما حالا می‌بینید که آن سبک گزینش‌ها کافی نبوده و جواب نداده است. اصلا مگر می‌توانیم ندید بگیریم که نظام جذب معلم ما ناکارآمد عمل کرده است. آن هم که وضع معیشت معلمان ماست خلاصه این است ابدا نباید از کنار چنین موضوع و رویدادی به سادگی گذشت و باید آن را بدل به جریانی برای اصلاح ساختارهای معیوب کرد.

رئیس سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران از پاکسازی کامل رود دره فرحزاد از وجود معتادین متجاهر و کارتن‌خواب‌ها پس از گذشت بیش از دو دهه خبر داده

معتادها کجا رفتند؟

بهزیستی گفته از میان ۸۰ هزار معتاد متجاهر؛ فقط ۴۰ درصدشان مواد مصرف می‌کنند

آرمان ملی: مدیر کل دفتر پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی، گفته ۷۵ تا ۸۰ هزار معتاد متجاهر در کشور داریم. او همچنین توضیح داده همه افرادی که در پاتوق‌ها هستند، اعتیاد ندارند و فقط ۴۰ درصد آنها در کف خیابان و یا پاتوق مواد مخدر مصرف می‌کنند. در کنار صحبت‌های فرهاد اقطار در خصوص تعداد معتادان متجاهر و نحوه و میزان مصرف آن‌ها و گرایش‌های مصرفی در فصول مختلف که در رادیو گفت‌وگو، مطرح شده، رئیس سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران هم توسط روابط عمومی مربوطه‌اش از پاکسازی کامل رود دره فرحزاد از وجود معتادین متجاهر و کارتن‌خواب‌ها پس از گذشت بیش از دو دهه خبر داده. احمد احمدی صدر که این عمل را یکی از دستاوردهای قابل توجه شهرداری در قبلا مطالبات و خواست مردمی و پاکسازی محیط شهری، دانسته، به این نکته اشاره‌ای نکرده که معتادهای متجاهر پس از پاکسازی کجا رفته‌اند؟ آقای احمدی صدری، گفته یکسری کیوسک‌های انتظامی هم از ابتدای رود دره تا امامزاده داوود، مستقر شده‌اند تا نگذارند معتادها برگردند اما نگفته آیا این افراد آسیب دیده از اعتیاد و بی‌خانمانی به محله‌های دیگر می‌روند و نباید در خصوص ساماندهی وضعیت آن‌ها کاری اصولی کرد یا خیر!

این مکان زیبا

روابط عمومی سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران، در مورد پاکسازی رود دره فرحزاد از وجود معتادین متجاهر و خرده فروشان مواد مخدر گفت: یکی از مطالبات جدی شهروندان به خصوص در مناطق ۲ و ۵ پاکسازی دره فرحزاد از معتادین متجاهر و خرده فروشان مواد مخدر بود تا پس از سال‌ها امنیت در رود دره برقرار شود و این مکان تبدیل به تفرجگاهی برای شهروندان و خانواده‌ها گردد. به گفته احمدی صدر: در بیش از دو دهه گذشته شرایط بسیار نامناسبی در رود دره فرحزاد وجود داشت و این مکان زیبا تبدیل به پاتوق افراد کارتن‌خواب، معتادین متجاهر و مواد فروشان بود و همین مساله معضلات اجتماعی بسیاری را در منطقه برای شهروندان به وجود آورده و امنیت آنها را تهدید کرده بود. او که دبیر قرارگاه اجتماعی شهر تهران است، در خصوص برخی اقدامات اجرایی قرارگاه اجتماعی شهر تهران هم گفت: نصب برج‌های نوری و روشن کردن فضا و مسیر این طبیعت زیبا، احداث جاده جهت تردد و پشتیانی، آغاز به کار گام‌های اجرایی اکوپارک و بازگشایی مسیر تردد از ابتدای رود دره تا امامزاده داوود و استقرار کیوسک‌های انتظامی در این مسیر جهت برقراری امنیت کامل و جلوگیری از تکرار ورود معتادین متجاهر و متخلفان به منظور رفاه حال شهروندان و بازدید کنندگان، از جمله اقدامات قرارگاه اجتماعی شهر تهران در رودره فرحزاده بوده است.

اخبار کوتـــاه

یوزهای آسیایی بر پشت‌بام

این روزها حضور «آذر» و «توران»، توله یوزهای آسیایی روی پشت‌بام اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان سمنان خبرساز شده است. پشت بامی که با بخشی از آن با توری سیمی محصور شده، کف آن ایزوگام شده، دیوارهای آجری و فضایی بدون سقف زمانی بیشتر تعجب برانگیز و غیرطبیعی می‌شود که یک لانه ساخته‌شده با چوب، چند تکه چوب خشک و تکه‌ای کوچک از چمن مصنوعی در قسمتی از محل نگهداری توله یوزها که احتمالاً برای عکاسی و فیلمبرداری و القای شرایط محیطی طبیعی زندگی آن‌ها به افکار عمومی مهیا شده است، به آن اضافه می‌شود. آذر و توران، توله‌یوزهای آسیایی هستند که چندی پیش توسط چوپانی در زادگاهشان یعنی پارک ملی توران پیدا شدند؛ بدون آن‌که مشخص شود سرنوشت مادر آنها چه بوده است. مدتی بعد از در اختیار گذاشتن این دو توله یوزپلنگ تازه‌متولدشده به اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان سمنان، سازمان حفاظت محیط‌زیست تصمیم گرفت تا برای نگهداری بهتر توله‌یوزها، آنها را به تهران منتقل کند. چند روزی بعد، زمانی که دامپزشک معتمد سازمان حفاظت محیط‌زیست و مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان سمنان مدعی شدند این توله‌یوزپلنگ‌ها قد و وزن خوبی پیدا کرده‌اند و آماده بازگشت به محیط طبیعی برای ادامه حیات هستند، اقدامات اولیه برای بازگرداندن آن‌ها به زادگاهشان آغاز شد. خبرگزاری فارس نوشته که گویا فاجعه مرگ تلخ گورخرهای ایرانی در فرایند انتقال که اتفاقاً در زمان مسئولیت مدیرکل فعلی محیط‌زیست استان سمنان نیز رخ داد، تجربه خوبی برای مسئولان این اداره کل نشده است و اقدامات عجیب و بی‌برنامه سازمان حفاظت محیط‌زیست همچنان ادامه دارد؛ این‌بار، نگهداری آذر و توران، توله‌یوزهای آسیایی روی پشت‌بام اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان سمنان متأسفانه اقدام بی‌برنامه‌ای است که از سوی محیط‌زیست سمنان رخ می‌دهد. در متن اخبار انتشاریافته پیش از این، به واکسیناسیون این توله یوزها و انتقالشان به زیستگاه طبیعی‌شان یعنی توران شاهرود اشاره شده بود؛ اما فیلم منتشر شده از وضعیت آن‌ها نشان می‌دهد که ظاهراً توله‌یوزهای در معرض انقراض در فرایند انتقال، مدتی را روی بخشی از پشت‌بام اداره کل محیط‌زیست استان سمنان نگهداری شده‌اند! اما پرسشی که برای رسانه‌ها پیش آمده این است که اگر این بازماندگان گونه نادر یوزپلنگ آسیایی از آن ارتفاع رها شده یا دچار مشکل سرمازدگی می‌شدند، چه کسی مسئولیت آن را بر عهده می‌گرفت؟ پرسش دیگر اینکه به نظر می‌رسد گونه کمیاب یوزپلنگ آسیایی آنقدر اهمیت داشته باشد که مسئولان امر به دور از اقدامات بی‌برنامه در نقل و انتقال این گونه‌های ارزشمند، قبل از هر اقدامی برای آن برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشند و حداقل مکانی مناسب برای نگهداری این حیوانات در زمان‌های این‌چنینی پیش‌بینی شود.

معلمان همچنان در انتظار صدور احکام رتبه‌بندی

یک فعال صنفی معلمان در انتقاد از طولانی شدن روند صدور احکام رتبه‌بندی و برخی دیگر از مشکلات معلمان به «ایلنا» گفت: حدود یک سال از تصویب قانون رتبه‌بندی معلمان می‌گذرد اما هنوز حکمی برای شاغلان صادر نشده است. البته وزارت آموزش و پرورش از صدور فایل نگارش رتبه‌بندی برای مناطق خبر داده و گفته می‌شود هیات ممیزه‌ها در حال تائید و بررسی بیشتر رتبه‌ها هستند اما بحث اینجاست که حدود یک سال از تصویب این قانون گذشته و معلمان چشم انتظارِ صدور احکام خود هستند، ضمن اینکه در طول این مدت مباحث بسیاری در مورد امتیازها و پرداخت معوقات و غیره مطرح شده اما چون وزارت آموزش و پرورش در مورد آن‌ها شفاف‌سازی نکرده، وضعیتِ بلاتکلیفی معلمان را آزار می‌دهد. مهدیِ محمدیان، ادامه داد: در این مدت مسئولان وزارت آموزش و پرورش شفاف با معلمان صحبت نکردند که بگویند مثلا علت تأخیر در اجرایی شدن این قانون چه بوده است، چرا آیین‌نامه به این شکل نوشته شده و چطور از حق و حقوق ما دفاع کردند. ابتدای اسفندماه ۱۴۰۰ شورای نگهبان با رتبه‌بندی معلمان موافقت کرد و شانزدهم اسفندماه همان سال نیز رئیس مجلس این مصوبه را برای اجرا به دولت فرستاد. از آن تاریخ تا به امروز نزدیک به یک سال گذشته و تا این لحظه تنها بخشی از علی‌الحساب رتبه‌بندی برای معلمان واریز شده است.

چرا زرافه‌های باغ وحش صفادشت، تلف شدند؟

سرپرست دفتـــر حفاظـــت و مدیریت حیات‌وحش درباره جزئیات علت تلف شدن دو زرافه در باغ وحش صفادشت، گفت: در شهریور و دی ماه سالجاری ۲ زرافه ماده در باغ وحش صفادشت تلف شده‌اند. غلامرضا ابدالی، افزود: هر دو زرافه ماده بوده و ۵ سال سن داشتند. او درباره علت مرگ زرافه اول بیان کرد: علت مرگ زرافه اول بیماری عفونی بوده است که طبق آخرین بررسی‌ها این بیماری به سایر حیوانات منتقل نشده است.

گـــزارش

اول بوی ماهی گندیده آمده بود

در ادامه واکنش‌ها به مسمومیت دانش‌آموزان در مدارس قم، مادر یکی از دانش‌آموزان مسموم شده، به خبرآنلاین گفته: «پسر من تعریف کرد که یک لحظه بوی ماهی گندیده سر کلاس آمد و بعد مدرسه به بچه‌ها ماسک داد که بزنند و از کلاس خارج شوند. یک‌سری از بچه‌ها حالشان بدتر بوده، به اورژانس زنگ زدند و چند نفر از بچه‌ها را به مراکز درمانی منتقل کردند که پسر من هم جز آن‌ها بوده است.» او ادامه داده: «پسرم سه‌شنبه ۲۵ بهمن ماه در مدرسه دچار مسمومیت شده بود. چهارشنبه که به مدرسه رفتم منکر وجود گاز شدند و این موضوع را به شیطنت بچه‌ها ربط دادند. پسر من بی‌حال شده بود. اورژانس آمد، معاینه و اعلام کرد بیشتر از ترس و استرس دچار این حس شده‌اند. مدیر مدرسه گفت بچه‌ها حالشان خوب است، فقط ترسیده‌اند.» این مادر درباره علائم پسرش هم گفته: «از علائم باقی بچه‌ها در جریان نیستم اما پسرم دل درد داشت و دور نافاش درد می‌کرد.» در هفته گذشته مدارس قم دو روز تعطیل شد تا علت حادثه مشخص شود اما نه تنها علتی پیدا نشده است. بلکه با از سرگیری مدارس، مسمومیت‌ها مجدد روی کار آمد. تنها یک روز بعد از واقعه مدرسه پسرانه، نوری، وزیر آموزش و پرورش چهارشنبه ۲۶ بهمن با بیان اینکه شایعات علت سریالی مسمومیت بچه‌هاست، گفت: «این موضوع بیشتر تحت تأثیر شایعات است و خواهش من این است رسانه‌ها کمک کنند اثر این شایعات منفی از بین برود و دانش‌آموزان به مدرسه روند و تحصیل کنند. دانش‌آموزان سه سال از تحصیل جا ماندند و حیف است.» او همچنین شایعه فلج شدن در اثر مسمومیت دانش‌آموزان را تکذیب کرد. بهرام عین‌اللهی، وزیر بهداشت نیز درباره علت مسمومیت دانش‌آموزان قمی گفت: «جمع‌بندی این است که مسمومیت بسیار خفیف است و عارضه‌ای از شروع مسمومیت تا امروز ایجاد نشده و نگرانی در این جهت وجود ندارد.» اما در واقعیت موضوع دیگری مشهود است. بچه‌ها به بیمارستان شهید بهشتی منتقل می‌شوند و در مواردی منجر به بستری می‌شود. مادر پسری که مسموم شده، درباره اینکه مدرسه به اولیا چه چیزی را اعلام کرده، گفته: «آنها گفتند اورژانس اعلام کرده که مورد خاصی نیست. بیشتر در اثر استرس و ترس بچه‌ها دچار مشکل شده‌اند. من حدود ساعت ۱۱ به دنبال پسرم به مدرسه رفتم و با معاون مدرسه صحبت کردم. گفتند که بعداز ظهر ستاد مدیریت بحران برای آن‌ها جلسه گذاشته است که ببینند آیا داستان واقعیت دارد یا خیر؟ که آخرشب مدیریت بحران اعلام کرد مدارس همچنان حضوری است و مشکلی وجود ندارد.» باید گفت یکی از بخش‌های بیمارستان شهید بهشتی، در دوران کرونا به بیماران کرونایی اختصاص یافت. در ماه‌های اخیر این بخش خالی شده بود اما اکنون به بخش دانش‌آموزان مسموم تبدیل شده است. بهرام عین‌اللهی چهارشنبه در بیمارستان شهید بهشتی قم درباره مسمومیت سریالی دانش‌آموزان قمی اظهار کرد: «امروز در قم در بیمارستان شهید بهشتی حضور داریم و با تعدادی از افرادی که به دلیل مسمومیت از مدارس به این بیمارستان منتقل شده بودند دیدار و با پزشکان صحبت و مذاکراتی داشتیم.» مادر یکی از مسمومین از مشاهدات خود در بیمارستان شهید بهشتی این‌طور روایت می‌کند: «من همان روز از جلوی بیمارستان شهید بهشتی عبور کردم. این بیمارستان یک بخشی داشت که برای بیماران کرونایی بود. این چند وقت که مریض‌ها کمتر شده‌اند، آن بخش بسته شد. من بعدازظهر ۲۵ بهمن، ساعت پنج و نیم که به بیمارستان شهید بهشتی رفتم ۷ الی ۸ آمبولانس جلوی در بیمارستان دیدم. پرستارها می‌گفتند بچه‌هایی که بعدازظهر این اتفاق برایشان افتاده بود، آمده‌اند که عکس و آزمایش بگیرند تا ببینند علت چه بوده است. همه در اثر گاز به بیمارستان آمده‌اند. اما من متوجه نشدم دختر بودند یا پسر.»

روی خط آرمان ملی

۸۸۷۶۰۱۷۶

برچسب‌های منازل

مدتی است که شرکت‌های خدماتی مجددا برچسب‌های تبلیغاتی را به در منازل می‌چسبانند. این کار باعث می‌شود در و دیوار خانه‌ها شکل ناهنجاری به خود بگیرد. به‌رغم اینکه مسئولان بارها و بارها در این باره تاکید کرده‌اند که چنین اقدامی غیرقانونی است و تخلف محسوب می‌شود، اما این شرکت‌ها کماکان به این کار خود ادامه می‌دهند. از مسئولان ذیربط تقاضا دارم جلوی گسترش این عمل را بگیرند و با متخلفان در این باره برخورد قاطعانه‌ای انجام دهند.

عزتی از تهران

موتورسواران

مدتی بود که نیروی انتظامی توجه زیادی به موتورسواران داشت و اگر بدون کلاه اقدام به تردد می‌کردند جریمه می‌شدند اما در حال حاضر موتورسواران با سرعت زیاد و بدون گذاشتن کلاه در سطح شهر مانور می‌دهند. انتظار می‌رود نیروی انتظامی از حرکت موتورسواران متخلف جلوگیری کند.

شاهمرادی از اسلامشهر

باربری‌ها

شرکت های حمل و نقل بار برای جابه جایی وسایل خانه هزینه‌های سرسام‌آوری را تعیین و از مردم مطالبه می کنند. آیا نظارتی هم بر کار این‌گونه شرکت‌ها وجود دارد؟

محبی از تهران

مشکلات بازار

ورود موتورسیکلت‌ها به داخل بازار و نبود آسفالت مناسب و ایجاد گودال‌ها و جمع‌شدن آب در روزهای بارندگی و پاشیدن آب بر روی مراجعان از معضلات بازار است. از مسئولان تقاضا داریم که به این موضوع رسیدگی کنند.

شاکر از تهران